

# تبیین ارتباط معنادار حج امام حسین علیه السلام با اندیشه‌ی مهدویت

هانی رنجبر

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد  
دانشگاه قرآن و حدیث قم،  
hani58.ranjbar@chmail.ir

چکیده: مسأله‌ی این مقاله تبیین ارتباط حرکت امام حسین علیه السلام و مناسک حج است؛ محصول آنچه که از تحقیقات و نظرات دیگران به دست می‌آید این است که حضرت برای نجات جان خویش و پیش‌گیری از ریخته شدن خورش در بیت‌الله الحرام، اعمال با شکوه حج را ترک کرد و به قصد کوفه، به سوی کربلا در حرکت شد؛ اما آنچه که در این تحقیق به دست آمد، این است که امام حسین علیه السلام امام زمانه‌ی خویش بود، نه اینکه زمانه و حوادث روزگار بر ایشان امام باشد. در نتیجه حرکت عالمانه‌ی امام علیه السلام برای نجات بندگان خدا از جهالت و حیرت ضلالت به سوی صراط‌المستقیم، فعلی حساب شده و کاملاً منطبق با پیام باطنی و حقیقی حج بود. ایشان حج ظاهری و تمثیلی را به حج حقیقی و باطنی که همان حج اکبر است، کشاند؛ و این به معنی مهدوی بودن فعل امام حسین علیه السلام و از طرفی به معنی حسینی بودن فعل امام زمان علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، مهدویت، حج، حج اکبر، ذبح عظیم، هدایت.

## تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۴

پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۹

در چارچوب فقه و نگاه فقهی و بدون در نظر گرفتن جایگاه و شان ایشان در نظام عالم، میسر نیست. وجود امام علیه السلام، همان طور که از قرآن جداشدنی نیست، از سایر مقولات دینی نیز تفکیک ناپذیر است، بلکه حتی قوام مقولات دینی از جمله حج، بر امام علیه السلام استوار است. در نتیجه، حرکت عظیم امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام، برپایی حج اکبر (باطن حج) شمرده می‌شود.

### ۳. ترک حج از منظر فقه

تاکنون بحث‌های زیادی درباره‌ی علل ترک مناسک حج تمتع، از سوی امام حسین علیه السلام انجام شده است و پاسخ عمومی نیز این بود که امام علیه السلام به دلیل جلوگیری از ریخته شدن خون مبارک‌شان در کنار مسجد الحرام و یا برای نجات جان خویش، اعمال تمتع را ترک کرده و از مکه گریخته‌اند. در اینجا بنا داریم تا به فعل امام علیه السلام ابتدا از زاویه‌ی دید فقهی نگاه کنیم.

«اینکه امام حسین علیه السلام در دهه‌ی اول ذی حجه، از مکه خارج شده، ظاهراً مورد اتفاق مورخان است؛ اما درباره‌ی روز خروج ایشان، اختلاف نظر وجود دارد. برخی روز خروج را سوم، برخی هفتم، برخی هشتم و برخی نهم ذی حجه گزارش کرده‌اند؛ ولی قول مشهور و درست‌تر، این است که امام علیه السلام در روز ترویبه، یعنی هشتم ذی حجه، از مکه خارج شده است» (ری شهری، ۱۳۸۸ ش، ج ۵، ص ۱۱۱). (۱۱۳).

### ۱.۳. عمره‌ی امام حسین علیه السلام، عمره‌ی مفرده بود

روایت معاویه بن عمّار و نیز روایت ابراهیم بن عمیر یمانی که از نظر سند و اعتبار، مورد قبول فقهاست، به روشنی دلالت دارند که حج امام حسین علیه السلام،

## ۱. طرح مسئله

آنچه که بارها در مورد شهادت امام اباعبدالله الحسین علیه السلام شنیده‌ایم، این است که ایشان اعمال حج تمتع را رها کردند و به سوی کوفه رهسپار گشتند و حدود یک ماه پس از موسم حج، به شهادت رسیدند، اما اینکه فعل امام علیه السلام تناسبی با خود اعمال حج داشته باشد یا نه، تاکنون در محافل علمی، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. لذا ما در اینجا به مطالعه‌ی ارتباط دو مقطع از حرکت امام علیه السلام یعنی مقطع حضور در مکه و اعمال حج با دوره‌ی حرکت از مکه تا شهادت می‌پردازیم. ابتدا از منظر فقهی ورود می‌کنیم و از سؤالات ایجاد شده در این منظر، دریچه‌ای به سوی حل مسأله‌ی ارتباط حج و قیام امام علیه السلام می‌گشاییم. نگاهی کوتاه به جایگاه فقه و نیز جایگاه امام و ولی از منظر غدیر و نیز بررسی قرآنی مناسک حج با خود امام حسین علیه السلام خواهیم داشت و در پایان به کمک آیات و روایات، به جستجوی ارتباط اعمال حج با قیام امام حسین علیه السلام و سپس ارتباط حج با قیام امام زمان علیه السلام و مهدویت می‌پردازیم.

## ۲. چارچوب نظری

تحلیل همه‌ی رفتارهای اهل بیت علیهم السلام از جمله اقدامات امام حسین علیه السلام از کنار خانه‌ی کعبه و در مناسک حج و نیز قیام امام زمان علیه السلام از کنار خانه‌ی کعبه،

عمره‌ی مفرده بوده، نه عمره‌ی تمتع. بنابراین، امام علیه السلام هنگام خروج از مکه، اساساً مُحْرِم نبوده و از این جهت، مشکلی نداشته است.

متن روایت معاویه بن عمار، این است که وی از امام صادق علیه السلام پرسید: تفاوت کسی که عمره تمتع انجام می‌دهد، با عمره‌گزار مفرده چیست؟ ایشان فرمود:

«إِنَّ الْمُتَمَتِّعَ مُرْتَبِطٌ بِالْحَجِّ، وَ الْمُعْتَمِرُ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ، وَقَدْ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ، وَ النَّاسُ يَرْوَحُونَ إِلَى مَنَى، وَ لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يَرِيدُ الْحَجَّ» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۳۵، ح ۴ و شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۴۳۷، ح ۱۵۱۹). یعنی: [اعمال عمره گزار] تمتع، به حج متصل می‌شود؛ اما عمره‌گزار مفرده، وقتی فارغ شد، هر جا که بخواهد، می‌رود. حسین بن علی علیه السلام در ذی حجه، عمره‌ی مفرده گزارد و در روز تروییه عازم عراق شد. در حالی که مردم عازم منا بودند و اشکالی ندارد که کسی که قصد حج ندارد، در ماه ذی حجه عمره مفرده به جا آورد.

### ۲.۳. جواز ترک تمتع به اضطرار جائز

جمع بندی دلایل نبود جواز شرعی برای ترک حج را می‌توانیم در کلام محمد حسن نجفی (صاحب جواهر رحمته الله) در ذیل مشاهده کنیم که در کتاب مشهور جواهر الکلام و به نقل از محقق حلی رحمته الله، ترک حج را بنا به اجماع تمامی فقها جز به اضطرار جائز نمی‌داند.

«و کیف کان فإن عُدلَ هولاء الی القرانِ او الافرادِ فی حجة الاسلامِ اختیاراً

لم یجز بلا خلاف اجدُهُ فیهِ بل الاجماعُ بقسمیه و لَمَّا عرفتَ من انهم ما مورون بغیرهما حاله کما لا خلاف فی انه یجوزُ لهم ذلک مع الاضطرارِ کضیق و قتِ او حیضٍ، بل الاجماعُ ایضاً بقسمیه علیه؛ مضافاً الی النصوصِ المستفیضةِ او المتواترةِ فی ذلک» (نجفی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۱۰). یعنی: به هر صورت در حجة الاسلام، اگر از روی اختیار از حج [تمتع] به حج قران یا افراد (مفرده) عدول شود، جائز نیست و در این مسأله هیچ نظر مخالفی نیافتیم و هر دو نوع اجماع (منقول و محصل) در این حکم وجود دارد و همان طور که می‌دانید؛ [حج‌گزاران] مأمور به انجام حج هستند و تغییر این وضعیت جائز نیست و در اینکه بیرون آمدن از آن صرفاً به دلیل اضطرارهایی نظیر محدودیت وقت یا حیض جائز باشد نیز نظر خلافی وجود ندارد و در اینجا هم هر دو نوع اجماع در بین فقها وجود دارد. از جنبه‌ی دیگر، تبدیل احرام حج به عمره نیز صحیح نیست و کسی که مُحْرِم به احرام حج است، اگر نتواند حَجَّش را به انجام برساند، حَجَّ او تبدیل به عمره نمی‌گردد. سید محسن حکیم رحمته الله، در این باره می‌گوید: «اینکه در برخی از کتاب‌های مقتل آمده است که امام حسین علیه السلام عمره‌اش را به عمره‌ی مفرده تبدیل کرد که نشان می‌دهد ایشان، عمره‌ی تمتع به جا آورده بوده و از آن، به عمره‌ی مفرده عدول کرده است، در برابر احادیث وارد شده از اهل بیت علیهم السلام قابل اعتماد نیست» (حکیم، ۱۳۸۴ ق، ج ۱۱، ص ۱۹۲).

با در نظر گرفتن احکام فقهی فوق، حتی اگر توجیهاات فقهی مطرح شده را بپذیریم و قائل باشیم که امام علیه السلام از ابتدا صرفاً نیت به جا آوردن عمره‌ی مفرده داشتند و برای تمتع مُحْرِم نشدند و یا بگوییم؛ حج را پس از عمره‌ی تمتع به اضطرار رها کردند و از مکه خارج شدند، آنچه مورد بحث و جای سؤال است،

#### ۴. همراهی با ولی، تنها عمل فراتر از حج

حال که نتیجه گرفتیم حرکت امام علیه السلام از کنار خانه کعبه و در موسم حج، حداقل می‌توانست برای عده‌ای که قصد همراهی با امام علیه السلام را داشتند، به رفتاری خلاف فقه منجر بشود، این سؤال ایجاد می‌شود که؛ مگر امام و ولی در نزد خدا چه جایگاهی دارد؟ طبق آیات و احادیث وارد شده در ماجرای غدیر، ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام و اولاد معصومین ایشان علیهم السلام به مردم، معادل کُلّ زحمات بیست و سه ساله رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است که در اینجا اشاره‌ای کوتاه و قرآنی به یکی از مستندات این مطلب خواهیم داشت.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده، ۶۷). یعنی: ای رسول، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی [اصلاً] رسالت او را انجام نداده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

با نگاه جنس‌شناسانه [یعنی بررسی محتوا بدون رجوع به احادیث و تواریخ]، این آیه حاکی از چه شرایط اجتماعی، دینی و ... می‌تواند باشد؟ در این نگاه، ﴿فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ باید مربوط به اواخر زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله باشد. زیرا این جمله زمانی می‌تواند گفته شود که رسالت در انتهای خویش باشد [حتی بعد از مطرح کردن حجّ در حجّة الوداع] نه در اوایل یا اواسط رسالت.

و نیز آنچه مسلم است و از لحن آیه نیز برمی‌آید ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ در یک ماجرای بسیار مهم نازل شده است که اگر مطرح شود، ممکن است

این است که: اگر امام علیه السلام برای ترک حج ناگزیر بودند، چرا در کنار کعبه و اندکی پیش از مناسک خاص حج تمتع، همگان را به ترک حج و همراهی با خویش فراخواندند؟ بنا به فرمان یزید و نیز تصریح خود امام علیه السلام در شب عاشورا، دشمنان دنبال قتل خود امام علیه السلام بودند. پس چرا ایشان دیگر مسلمانان را به ترک مراسم و مناسک با شکوه حج که حداقل ۵۰ سال طبق احکام دین رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می‌شد، دعوت کردند؟ امام علیه السلام در یوم الترویبه فرمودند: «... أَلَا وَ مَنْ كَانَ فِينَا بِإِذْنِ مُهْجَتِهِ مُؤْتِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَبْرَحْ مَعَنَا...». به عبارت روشن‌تر، چه بگوییم؛ امام علیه السلام از ابتدا قصد عمره داشتند و چه بگوییم؛ پس از عمره تمتع به اضطرار از حج عدول کردند، در هر دو صورت این توجیهاات فقهی، صرفاً جواب‌گوی رفتار خود امام علیه السلام است.

اگر [از نظر تاریخی بپذیریم] امام علیه السلام در مکه نیز تحت تعقیب و در اضطرار بود و این، جواز شرعی خروج ایشان از مکه بود، چرا ایشان در سخنان‌شان در کنار خانه خدا، دیگر مسلمانان را به خروج از مکه و ترک حج فراخواندند؟ آنها که تحت تعقیب و در اضطرار نبودند؟ مردم چه مجوز شرعی داشتند که حج را رها کنند و همراه ایشان رهسپار شوند؟ کسانی که برای انجام حجة الاسلام، ابتدا عمره‌ی تمتع به جا آوردند، طبق چه اضطراری می‌توانستند ادامه‌ی اعمال را رها کنند؟ مگر اینکه قائل باشیم؛ امام علیه السلام جایگاهی در دین دارند که اضطرار او باید اضطرار کُلّ مسلمین باشد و همراهی با او فراتر از همه‌ی اعمال عبادی قرار بگیرد. پس با این توضیح، مسلماً کسانی که نسبت به دین، دیدگاهی صرفاً فقهی و شرعی داشتند، نمی‌توانستند رفتار امام علیه السلام را توجیه کنند و با او همراه شوند.

## ۵. ارتباط مناسک حج با امام حسین علیه السلام

اگر طبق دلایل فوق، بپذیریم که همراهی با ولیّی از عمل به شرعیات نیز واجب‌تر است، باز این سؤال باقی است که چرا امام حسین علیه السلام که پس از مرگ معاویه، از همان ابتدا، بیعت با یزید را نپذیرفته بود و بر عواقب خطرناک رفتارشان از سوی حکومت نیز واقف بود، در ایام مناسک حج، رهسپار مکه شدند؟ آیا نیتشان صرفاً به جا آوردن یک عمره‌ی مفرده استحابی بود یا اینکه حرکت‌شان یک حرکت برنامه‌ریزی شده و هدف‌دار بوده است؟ آیا بین حرکت امام حسین علیه السلام و مناسک عظیم حج، ارتباط خاصی وجود دارد؟

## ۶. ارتباط وثیق مناسک حج با امام حسین علیه السلام از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام

یکی از ابتلائات حضرت ابراهیم علیه السلام، ذبح فرزندش - حضرت اسماعیل علیه السلام - بود که خداوند برای ارتقاء او، دعوت به انجام چنین کاری کرد. ایشان خود را برای انجام چنین کار عظیم و عجیبی که تبعات مصیبت باری نیز برای او داشت، تسلیم کرد. آنچه که مسلم است، این است که او در ادامه‌ی کلاس ابتلائات و این بار در «بلاء مبین» که احتمالاً سخت‌ترین و آخرین ابتلائات بود، خود را برای عزای فرزندش آماده کرده بود و خدا این آمادگی را از ایشان پذیرفت ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (صافات، ۱۰۶). یعنی: راستی که این همان آزمایش آشکار بود!

حال، طبق آیات سوره‌ی صافات سؤالی مطرح است و آن این است که اگر خدای تعالی به ازای این تسلیم، گوسفندی را فرستاد، چرا می‌فرماید: ﴿وَقَدْ يَنَآهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (صافات، ۱۰۷). یعنی: ذبح عظیمی را فدای او کردیم؟

آیا همان گوسفند، می‌تواند ذبح عظیم مورد نظر آیه باشد؟ چند نکته از این

﴿الناس﴾ در قبال آن، موضع منفی بگیرند. در طی بیست و سه سال رسالت شریف رسول الله صلی الله علیه و آله و حتی در شرایط اختناق و فشار زیاد مشرکان در مکه و در دعوت به توحید و نبوت و معاد و در تبیین دیگر مقولات دینی و یا احکام دین، جایی خدا نفرمود که؛ برای ابلاغ این مقولات، تو را در برابر ﴿الناس﴾ حفظ خواهیم کرد. پس دیگر چه موضوعی باقی مانده بود؟

موضوع باقی مانده در رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله و مدنظر خداوند یعنی ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ به قدری مهم است که اگر ابلاغ نشود، تمام زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله در طی بیست و سه سال رسالت، هدر خواهد رفت. پس این موضوع، اصل دین است و تمام مقولات دینی دیگر، فرع بر آن هستند.

لذا این آیه [بر خلاف گفته‌ی برخی مفسران اهل تسنن] درباره‌ی یک موضوع فرعی در یک ماجرای بی‌ربط و در هر زمانی نمی‌تواند باشد و مصداق ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ در این آیه، هر چه هست باید اصل دین باشد و بقیه‌ی دینیات، فرع بر آن باشند. در نتیجه مصداق ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ طبق ماجرای غدیر خم، که ولایت علی علیه السلام است؛ اصل دین است و کسی که از جانب خدا به این ولایت منصوب شده، نه تنها ولی دینداران و ولی فقیهان است، بلکه ولی دین و ولی فقه است و بدون این ولی، کل دینیات ابلاغ شده از سوی خدا موجودیت، هویت و قوام نخواهد داشت و چه جالب است که حتی ابلاغ پیام غدیر، پس از تبیین اعمال حج و تطهیر مردم در اعمال حج و پیش از آنکه به خانه و کاشانه خود برگردند و گرفتار دنیاییات شوند، انجام شد و حجة الوداع، مقدمه‌ی این ابلاغ عظیم قرار گرفته بود.

آیات برمی‌آید:

اول: در اینجا از نظر وزن واژه و کلمات، برای اسماعیل ع صرفاً ضمیر متصل (ه) به کار رفته ولی برای فدیة او عبارت ذبح عظیم به کار رفته است. پس منظور آیه نمی‌تواند فدیة گوسفند باشد. چون اسماعیلی که در برابر رویای پدر (نه امر پدر) این‌گونه تسلیم می‌شود، نزد خدا عظیم است نه گوسفند که اصلاً جنسش از انسان پایین‌تر است. لذا بعید است خدای حکیم در برابر بشری چون اسماعیل ع، گوسفندی را عظیم بشمارد.

دوم: چون این عظمت را خداوند نسبت می‌دهد، پس حقیقتاً باید عظمت داشته باشد و مبالغه‌ای در آن نیست.

سوم: اینکه عظمت را به ذبح نسبت می‌دهد نه اینکه جثه مذبح بزرگ باشد.

چهارم: اینکه واژه‌های ذبح و عظیم به صورت نکره (با تنوین) آمده که بر عجیب و مجهول بودن ذبح می‌افزاید.

پنجم: اینکه در ادامه و در آیه‌ی بعد می‌فرماید: ﴿وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾ (صافات، ۱۰۸). یعنی: آن ذبح عظیم را برای آخرین (آیندگان) باقی گذاشتیم.

اینچه ذبحی است که از اسماعیل ع عظیم‌تر است و در آیندگان نیز باشد؟ البته عموم مترجمان برای ترجمه‌ی آیه‌ی اخیر، عبارت [آوازه‌ی نیک] را اضافه می‌نمایند و این‌طور معنا می‌کنند که: «و در [میان] آیندگان برای او [آوازه‌ی نیک] به جای گذاشتیم». یعنی: برای ابراهیم ع آوازه‌ی نیکی در آیندگان قرار دادیم که به نظر می‌رسد مفهوم پیشنهادی ما به دلایل ذیل به متن آیه

نزدیک‌تر باشد:

اول: اگر ضمیر متصل (در علیه) را به ابراهیم ع بر گردانیم، مشخص نیست که چه چیزی را خدا باقی گذاشته است به طوری که برای جبران این خلأ معنایی، مترجمان و مفسران، مواردی را از جانب خود در نظر گرفتند؛ از جمله آوازه‌ی نیک، شیئی بسیار نیکو، ذکر خیر، دعوت به توحید و ... لیکن اگر ضمیر را به ذبح عظیم بر گردانیم، این‌طور می‌شود که باقی گذاشتیم ذبح عظیم را در آیندگان. در نتیجه در معنای متن، هیچ لکنت و نقصی هم به وجود نمی‌آید.

دوم: حتی اگر ضمیر را به ابراهیم ع بر گردانیم، با توجه به موضوع مورد اشاره در سیاق این آیات، این‌طور می‌شود که ذبحی که ابراهیم ع می‌خواست انجام بدهد را در آیندگان قرار دادیم نه اینکه آوازه‌ی نیکیش را قرار دادیم. یعنی رسول اولوالعزمی چون ابراهیم ع می‌خواست فرزندش را ذبح کند، ولی این ذبح را خدا برای رسول اولوالعزم آخرین و فرزندش قرار داد.

## ۷. بُعد باطنی فعل ابراهیم ع

بُعد ظاهری فعل ابراهیم ع این بود که خدا تسلیمش را پذیرفت و گوسفندی را به جای ذبح اسماعیل ع فرستاد، ولی ابعاد نورانی و باطنی آنچه بود؟ امام رضا ع در توضیح ماجرای ذبح اسماعیل ع می‌فرماید: «لما أمر الله تعالى إبراهيم ع ان يذبح مكان ابنه اسماعيل الكبش الذي أنزل عليه، تمنى إبراهيم ع أن يكون قد ذبح ابنه اسماعيل بيده و أنه لم يؤمر بذبح الكبش مكانه ليرجع إلى قلبه ما يرجع إلى قلب الوالد الذي يذبح أعز و لده بيده فيستحق بذلك أرفع درجات أهل الثواب على المصائب، فأوحى الله ع إليه:

یا ابراهیم من أحب خلقي إليك؟ قال: يا رب ما خلقت خلقا هو أحب إلي من حبيبك محمد ﷺ، فأوحى الله ﷻ: يا ابراهيم هو أحب إليك أو نفسك؟ قال: بل هو أحب إلي من نفسي، قال: فولده أحب إليك أو ولدك؟ قال: بل ولده، قال: فذبح ولده ظلما على يدي أعدائه أوجع لقلبك أو ذبح ولدك بيدك في طاعتي؟ قال: يا رب بل ذبحه على أيدي أعدائه أوجع لقلبي قال: يا ابراهيم ان طائفة تزعم انها من أمة محمد ﷺ ستقتل الحسين ﷺ ابنة من بعده ظلما و عدوانا كما يذبح الكباش، و يستوجبون بذلك سخطى، فجزع ابراهيم ﷺ لذلك فتوجع قلبه و أقبل يبكى، فأوحى الله تعالى اليه: يا ابراهيم قد فديت جزعك على ابنك اسماعيل لو ذبحته بيدك بجزعك على الحسين و قتله، و أوجبت لك أرفع درجات أهل الثواب على المصائب، و ذلك قول الله ﷻ ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۳۰ و ۴۲۹). یعنی: ابراهیم ﷺ پس از آمدن گوسفند و فرمان ذبح آن، هم‌چنان دوست داشت فرزندش اسماعیل ﷺ را ذبح نماید و به درجات اعلی صبر بر مصیبت نائل شود و خدا در جواب به او می‌گوید: محبوب‌ترین خلق نزد تو کیست؟ آیا او را و نیز فرزندش را از خود و فرزندت بیشتر دوست می‌داری؟ ابراهیم ﷺ گفت: محمد ﷺ که حبيب توست و نیز فرزندش را بیشتر دوست دارم. آیا ذبح فرزند او بیشتر قلبت را ناراحت می‌کند یا ذبح فرزند تو؟ می‌گوید: ذبح فرزند او. پس خدا او را به قتل امام حسین ﷺ به دست گروهی -مستوجب خشم و سخط خدا- از امت پیامبر ﷺ با ظلم و جور و به مانند: ذبح گوسفند خبر می‌دهد. ابراهیم ﷺ قلبش ناراحت شد و خدا به او وحی کرد که ای ابراهیم به فدیة (در عوض) جزع تو بر ذبح فرزندت، جزع بر قتل حسین ﷺ را قرار دادم

که درجات بالاتری از ثواب [صبر] بر مصیبت را دارد و این است قول خدا بر ﴿و فدیناه بذبح عظیم﴾.

خداوند علاوه بر اینکه پس از این، او را امام قرار داد، رسول آخرالزمان و فرزندان‌ش یعنی ائمه‌ی معصومان را از نسل ابراهیم ﷺ و اسماعیل ﷺ قرار داد: «انا ابن الذبیحین» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۶۸) حتی خود ذبح عظیم را از نسل آنها قرار داد.

البته از سوی برخی محققان (همان، ج ۱، ص ۴۲۸، مطالب مترجم علی‌اکبر غفاری در پاورقی همان صفحه) این سؤال مطرح است که اگر منظور از ذبح عظیم امام حسین ﷺ است، چرا خداوند، فدیة‌ی بالاتری را به جای پایین‌تر قربانی کرد؟ اسماعیل ﷺ باید قربانی امام حسین ﷺ می‌شد، نه اینکه برعکس باشد.

در جواب، حدیث فوق پاسخ مناسبی دارد که بیان می‌کنیم: ذبح امام حسین ﷺ و گریه و صبر بر مصیبت ایشان، برای ابراهیم ﷺ [و هم‌چنین همه‌ی کسانی که در آینده می‌خواهند از آثار معنوی و باطنی قربانی کردن در منا بهره ببرند] ارتقاء دهنده‌تر است. لذا خدا این ذبح را در امت آخرالزمان و در فرزند رسول آخرالزمان ﷺ قرار می‌دهد. ابراهیم ﷺ برای اینکه امام قرار داده بشود، در کلاس حب (نسبت به فرزندش و نسبت به امام حسین ﷺ) ابتلاء شد. او می‌خواست با گریه بر فرزند ذبیحش ارتقاء یابد، ولی خدا گریه و صبر بر مصیبت فرزند رسول الله ﷺ را عامل ارتقائش قرار داد. در نتیجه اگر کسی بر مصیبت فرزند رسول آخرین، گریه و صبر کند و به یاد او یک قربانی ذبح نماید، فضیلت بیشتری نصیبش خواهد شد تا اینکه به یاد اسماعیل ﷺ و ذبح شدنش بگرید

و قربانی کند.

پس ابراهیم علیه السلام گوسفند را به یاد امام حسین علیه السلام قربانی کرد و این از مناسک اصلی حج قرار داده شد. جالب است که طبق روایات، محل ذبح اسماعیل علیه السلام و گوسفندی که از جانب خدا فرستاده شد، در سرزمین منا بود و حال، حاجیانی که به مکه می‌روند، باید به تأسی از فعل ایشان، گوسفندی قربانی کنند در نتیجه امام حسین علیه السلام و ذبح ایشان در اینجا اصل و باطن حج که یکی از دینیات است، شمرده می‌شود.

## ۸. ارتباط وثیق نموده‌های رفتاری حج با حرکت امام حسین علیه السلام و کاروانیان حسینی

علاوه بر اینکه خود امام حسین علیه السلام و ذبح شدن ایشان، از ابتدای آموزش مناسک حج از زمان ابراهیم علیه السلام، ارتباط وثیقی با حج دارد، مابین حرکت امام علیه السلام و نموده‌های رفتاری حج نیز، ارتباط محکمی وجود دارد. لذا در ادامه به برخی از این ارتباطات می‌پردازیم:

### ۱.۸. دعوت امام حسین علیه السلام به ترک حج و همراهی با اهل بیت علیهم السلام برای لقاء الله

امام حسین علیه السلام در کنار خانه‌ی کعبه و در آستانه‌ی اعمال حج، همگان را به ترک حج و رحلت و رخت بر بستن از همه چیز و همراهی با خود تا حد گذشتن از خون خویش و برای رسیدن به لقاء الله فرا می‌خوانند. امام حسین علیه السلام در آخرین روز توقف در مکه، خطبه‌ای می‌خواند و می‌فرماید: «... أَلَا وَ مَنْ كَانَ فِينَا بِأَدِلًّا مُهْجَتَهُ مُؤْتِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا...» (ابن طاووس، ۱۳۴۸ ش،

ص ۶۱؛ اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۲۹؛ ابن‌نماحلی، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۱). یعنی: آگاه باشید که هریک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد.

ولئى دين خدا چه برنامه‌ای دارد که همگان را به عدول از ظواهر مناسک حج تهییج می‌کند؟ طبق این کلام، مسیری که امام علیه السلام پیش روی همه گذاشتند، مسیر کوچ همه جانبه (روحی و جسمی) با امام علیه السلام از بیت‌الله برای نائل شدن به لقاء الله است که با آمادگی ریخته شدن خون گلو و قربانی شدن در وجود ایشان «فینا» آغاز می‌شود و قربانی شدن در وجود ایشان یعنی دست کشیدن از افکار و عقاید و دیدگاه‌ها و اعمال منفی خود و حتی دست کشیدن از دیگر افکار و اعمال مثبت خود (تبلیغ دین، حج، جهاد و ...) و هماهنگی کامل با امام علیه السلام و البته این تعبیر از «فینا» از سخنان امام حسین علیه السلام با محمد بن حنفیه در توصیف همراهان‌شان برای حرکت به سوی مکه نیز قابل استنباط است. «... أَنَا عَازِمٌ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى مَكَّةَ وَقَدْ تَهَيَّأْتُ لِدَلِّكَ أَنَا وَإِخْوَتِي وَ بَنُو أَخِي وَ شِيعَتِي وَ أَمْرُهُمْ أَمْرِي وَ رَأْيُهُمْ رَأْيِي...» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۱۶۰) یعنی: من آهنگ مکه را دارم و خود و برادر و برادرزادگان و شیعیان خود را برای این سفر آماده کرده‌ام. امر و رأی آنان، امر و رأی من است.

### ۲.۸. احرام امام علیه السلام و کاروانیان

برای اینکه انسان حج مثالی را بجا بیاورد، باید لباس دنیایی‌اش را، لباس محلّی و لباس قومش را، لباس کسب و کارش را از تنش در آورد و لباس احرام بپوشد. طبق کلام فوق، برای پیوستن به کاروان امام حسین علیه السلام انسان باید



چکار کند؟ باید دنیاویات را از خودش بکند و لباسی دیگر بپوشد یعنی لباس «مَنْ كَانَ فِينَا بِذِلَّةٍ مُّهِجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ» بپوشد که لباس شهادت و قربانی شدن در وجود امام علیه السلام و لباس مورد نیاز برای لقاء الله است. حال هر کسی این لباس را پوشید، «فَلْيُزَحَلْ مَعَنَا» پس همراه ما حرکت کند. آری امام علیه السلام در صبح یوم الترویبه که حاجیان برای ادامه‌ی حج تمتع، مُحرم می‌شوند و لباس احرام می‌پوشند، همگان را دعوت کرد که این طور مُحرم شوند.

### ۳.۸. عرفات و جریان رحمت و مغفرت در کاروانیان

در حج، پس از مُحرم شدن در یوم الترویبه، حاجیان برای ورود در مواقع سه‌گانه، وارد صحرای عرفات می‌شوند و طبق روایات، آنچه که بیش از همه چیز در عرفات نمود دارد، جریان رحمت و مغفرت خدا است و حتی در وسط صحرای عرفات، جبل الرحمه قرار گرفته است. دو نمونه از این روایات گویای میزان این جریان عظیم در عرفات است:

روایت اول: «سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ الْمَوْقِفِ. فَقَالَ أَتَرَى يُحْيِيَبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُ فَقَالَ أَبِي مَا وَقَفَ بِهَذَا الْمَوْقِفِ أَحَدٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مُؤْمِنًا كَانَ أَوْ كَافِرًا. إِلَّا أَنَّهُمْ فِي مَغْفِرَتِهِمْ عَلَى ثَلَاثِ مُؤْمِنٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۲۱).

روایت دوم: «أَنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ ذَنْبًا مَنْ وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ ثُمَّ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۳، ص ۵۴۷). یعنی: همانا گناه‌کارترین افراد، کسی است که در عرفات وقوف کند و گمان کند که خدا او را نیامرزیده است.

این جریان رحمت، مغفرت و شفاعت را در حد بسیار عالی و عجیب در کاروان

امام حسین علیه السلام و در خلال سخنان، ملاقات‌ها و دعوت‌های امام علیه السلام به افراد در مسیر تا کربلا می‌توان مشاهده کرد.

امام حسین علیه السلام در پیامی به عبیدالله بن جرجعی می‌فرماید: «وَ إِنَّ عَلَيَّكَ ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَهَلْ لَكَ مِنْ تَوْبَةٍ تَمْحُو بِهَا ذُنُوبَكَ؟ ... تَنْصُرُوا ابْنَ بَنَاتِ نَبِيِّكَ وَ تُقَاتِلُ مَعَهُ» (بلاذری، ۱۳۹۸ ق، ج ۳، ص ۱۷۴؛ طبری، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۳۰۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۲ ش، ج ۳، ص ۲۸۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۳۰ ق، مجلس ۳، ص ۲۴۶) یعنی: تو در دوران عمرت گناهان زیادی را مرتکب شده و خطاهای فراوانی از تو سرزده است آیا می‌خواهی توبه کنی و از آن خطاها و گناه‌ها پاک گردی؟ عبیدالله گفت: مثلاً چگونه توبه کنم؟ امام فرمود: فرزند دختر پیامبرت را یاری کرده و در رکاب وی با دشمنان او بجنگی.

البته جریان رحمت و مغفرت امام حسین علیه السلام نیاز به اثبات بیشتر ندارد، زیرا آن قدر وسیع است که گذشتگانی چون ابراهیم علیه السلام را ارتقاء داد و آیندگان را نیز شامل خواهد شد.

### ۴.۸. منی و رمی و جگرهای و جنگیدن با شیاطین انسی

حاجیان در موقف دوم و در مشعر سنگ بر می‌دارند و در منا به نمودهای شیطان یعنی: جمرات سه‌گانه سنگ می‌زنند و با آن مبارزه می‌کنند، ولی کاروانیان مسلح شدند و با یاوران ابلیس و در واقع با شیاطین انسی جنگیدند و کشتند و کشته شدند.

## ۵.۸. قربانی کردن و واقع شدن ذبح عظیم در کربلا

حاجیان مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که به یاد امام حسین علیه السلام گوسفندی قربانی کرد، باید در منا گوسفند قربانی کنند، ولی کاروانیان امام حسین علیه السلام همگی با خود او که ذبح عظیم شمرده شد، همراه شدند و قربانی دادند و هفتاد و اندی با خود او ذبح شدند و خود قربانی گشتند. حتی حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت امام علیه السلام در مناجات با خدا می فرماید: «اللهم تقبل منا هذا القربان» (مقرم، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۷۹). یعنی: خدایا این قربانی را از ما بپذیر.

## ۶.۸. امام حسین علیه السلام و برپایی حج اکبر

با توجه به روابط ذکر شده و تقارن‌های فوق، معنای افعال امام علیه السلام و ارتباطش با مناسک حج چیست؟ امام حسین علیه السلام نمودها را به واقعیت تبدیل کردند، قبل از اینکه مراسم اختصاصی حج شروع شود، از مکه بیرون آمدند؛ یعنی ای مردم! امسال دست از نمودها بردارید و از رفتار مثالی به رفتار حقیقی کشیده شوید. تعداد محدودی این پیام عملی را از امام علیه السلام گرفتند و همراه ایشان به راه افتادند و در واقع، حج حقیقی را آنها بجا آوردند؛ امام علیه السلام با عمل شان حج حقیقی را نشان دادند، حجتی که نسبت به حج ظاهری و نمادین، حج اکبر است.

## ۹. ارتباط وثیق حج اکبر با ظهور امام زمان علیه السلام در قرآن

خداوند در سوره‌ی توبه از حج اکبر سخن می گوید: «وَ أَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ إِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ آلِيمٍ» (توبه، ۳). یعنی: و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به

مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد؛ و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده.

خدا و رسولش در یوم الحج الاکبر، یک مقولاتی را به عموم انسان‌ها اعلام می کنند. آن مقولات چیست؟ چند نکته‌ی محوری در این آیه و در مفهوم حج اکبر نهفته است.

اول: اعلان عمومی خدا و رسول صلی الله علیه و آله به کل مردم در یوم الحج الاکبر

دوم: حج الاکبر، یک یوم است، یعنی یک دوره‌ی زمانی

سوم: براءت خدا و رسولش از مشرکان در آن یوم

چهارم: توبه از [همراهی با] مشرکان در آن یوم

پنجم: اعلام غلبه داشتن خدا بر مشرکان

ششم: بشارت بر عذاب الیم برای مشرکان

آنچه از ظاهر آیه بر می آید، این است که حج اکبر، هر معنایی داشته باشد، خصوصیات فوق در آن وجود دارد.

مشخصات یاد شده، با کدام مقطع زمانی از گذشته تا آینده انطباق دارد؟ مسلماً در تاریخ حج، همه‌ی این مصادیق به جز اعلان عمومی امام حسین علیه السلام در کنار خانه‌ی کعبه، در اجتماع مسلمانان و در یوم الترویبه - به صورت یک جا وجود نداشته و ندارد و این موضوع تا زمان قیام قائم علیه السلام، تکرار نخواهد شد.

حدّافل دلیلش این است که به جز اهل بیت علیهم‌السلام که خلیفه و وصی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، کسی نیست که اعلانش در یوم الحج، دعوت خدا و رسول به حساب بیاید.

دلیل دوم: اینکه مسلمانان در حج، مشغول بجا آوردن مناسک هستند و کاری با مشرکان ندارند و در واقع مناسک‌شان، تهدیدی برای مشرکان به حساب نمی‌آید و به مشرکان، بشارتی به عذاب الیم نیز واقع نمی‌شود و تنها در زمان قیام امام زمان علیه‌السلام است که همه‌ی این مقولات، محقق خواهد شد.

## ۱۰. ارتباط وثیق حج اکبر با ظهور امام زمان علیه‌السلام در روایات

با توجه به چارچوب اخذ شده در سوره‌ی توبه، به روایات نظری می‌افکنیم. روایات اسلامی ذیل این آیه، مصادیق متعدّدی را برای حج اکبر بیان می‌دارد: روز عرفه، وقوف در ایام تشریق، عید قربان و یوم قیام القائم علیه‌السلام همگی از مصادیق حج اکبر شمرده شده‌اند.

ابن جریر روایت دیگری از ابی الصهبای بکری نقل می‌کند که: از علی بن ابی طالب علیه‌السلام راجع به روز حج اکبر سؤال کردم، فرمود: «یوم العرفه» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۲۱۳). یعنی: روز عرفه است.

ابن مردویه از ابی‌اوفی و او از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود: «یوم الاضحی هذا، یوم الحج الاکبر» (همان، ج ۳، ص ۲۱۱). یعنی: روز عید قربان، امروز، روز حج اکبر است.

عمرین‌اذینه می‌گوید: برای امام صادق علیه‌السلام مسائلی را نوشتم و پس از مدتی، پاسخ آن حضرت را با دست خط مبارکش دریافت کردم: «... وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ

تَعَالَى الْحَجِّ الْأَكْبَرِ. مَا يَغْنِي بِالْحَجِّ الْأَكْبَرِ؟ فَقَالَ الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَ رَمَى الْجِمَارِ، وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ح ۱). یعنی: حج اکبر، وقوف در در عرفه و رمی جمرات است و حج اصغر، عمره است.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ يَوْمَ النَّحْرِ، وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۷۶). یعنی: روز قربان است، و حج اصغر، عمره است.

در حدیث دیگر، ذیل «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...» فرمود: «خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ أَذَانٌ دَعَوْتُهُ إِلَى نَفْسِهِ» (همان، ج ۲، ص ۷۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۱۰۲). یعنی: خروج قائم علیه‌السلام و دعوت او به خود است.

آیا معنای جامعی هست که با مصادیق ذکر شده در روایات و نیز با مفاهیم اخذ شده از آیه فوق انطباق داشته باشد؟

طبق آیه‌ی فوق، حج اکبر یومی است که خدا و رسولش یک اعلام عمومی به همه‌ی ناس دارند و از مشرکان برائت می‌جویند و از آنان توبه می‌خواهند و در صورت عدم توبه، خدا درمانده نخواهد شد و بر کفار، بشارت بر «عذاب الیم» داده می‌شود.

از ارتباط آیه‌ی حج اکبر با مصادیق مذکور در احادیث، موارد ذیل فهمیده می‌شود:

طبق آیه، در حج اکبر، توبه و استغفار بسیار پررنگ است و طبق حدیث، عرفات که موسم توبه و استغفار است، حج اکبر خوانده شده پس بخشی از کلّ پیام آیه در این حدیث مندرج است.

## ۱۱. قیام حسینی امام زمان علیه السلام از کنار خانه کعبه

از بین اهل بیت علیهم السلام، تنها امام حسین علیه السلام علیه خلیفه‌ی وقت قیام کرد، و پس از ایشان نیز تنها امام زمان علیه السلام علیه حکمای جور قیام خواهد کرد. امام زمان علیه السلام نیز مانند امام حسین علیه السلام از کنار خانه‌ی کعبه و با اعلام عمومی به همه‌ی مردم، ظهور و قیامش را علنی می‌کند: «... أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ علیه السلام وَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَهَذَا أَلْحَسَنُ وَ الْأَحْسَيْنُ ...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹). یعنی: هر کس می‌خواهد به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بنگرد، به من بنگرد که من همان دو امام هستم.

عبارت فوق نشان می‌دهد که امام زمان علیه السلام حرکت‌شان حسینی است؛ و یا به عبارتی، حرکت امام حسین علیه السلام، حرکتی مهدوی است. چون امام زمان علیه السلام می‌فرماید: من همان امام حسین علیه السلام هستم.

## ۱۲. ارتباط وثیق قیام امام زمان علیه السلام با نموده‌های حج

هر چند در این سطور مقایسه‌ی تمامی نموده‌های رفتاری حج با حرکت و قیام امام زمان علیه السلام میسر نیست، لیکن برای ترسیم موضوع، به یکی از این نموده‌ها می‌پردازیم. حاجیان پس از وقوف در صحرای عرفات و سپس رفتن به مشعر و منی، در صحرای منا در چند مرحله به ستون‌های سه‌گانه جمرات که نمودی از شیاطین هستند، سنگ پرتاب می‌کنند که این صحنه نمود و مثالی از جنگ‌های شدید جبهه‌ی حق علیه باطل در آخرالزمان می‌تواند باشد. جبهه‌ی باطلی که در رأس آن، شیطان رجیم قرار دارد و مهلتش پس از ظهور امام زمان علیه السلام به پایان خواهد رسید و نابود خواهد شد. در واقع حاجیان در حج، سربازی در رکاب

طبق آیه در حج اکبر، برائت از مشرکان مطرح است و طبق حدیث که منا حج اکبر خوانده شده، برائت نمادین در برابر نموده‌های شیطان کافر و مشرک (جمرات) واقع می‌شود و بسان ابابیل بر جمرات سه‌گانه (نمود شیطان) سنگ فرود می‌آید، پس منا نیز حاوی بخشی از کل پیام آیه است.

امام زمان علیه السلام از کنار خانه‌ی کعبه اعلان عمومی «اذان من الله و رسوله» را انجام می‌دهند و مؤمنان را به همراهی با خویش فرا می‌خوانند و مشرکان را تهدید به عذاب الهی می‌نمایند.

هرچند تعابیر حدیثی فوق برای حج اکبر هرکدام به نوعی با معنای آیه و با بخشی از مفهوم حج اکبر انطباق دارد، اما این تعبیر که حج اکبر، ظهور امام زمان علیه السلام است، بیشترین انطباق را با آیه دارد و همه‌ی مفاهیم حج اکبر در آیه (اعلان عمومی از جانب خدا و رسول، اعلان در کنار خانه‌ی خدا و در ایام حج، برائت از مشرکان، غلبه خدا در برابر کسانی که توبه نکردند و بشارت بر عذاب) را شامل می‌شود.

انطباق مفهوم حج اکبر با حرکت امام حسین علیه السلام و قیام امام زمان علیه السلام به گونه‌ای است که نشان می‌دهد، امام زمان علیه السلام نیز مانند جد بزرگوارشان امام حسین علیه السلام - که از کنار خانه‌ی کعبه، همراهی کردن با اهل بیت علیهم السلام را اعلان عمومی کردند - نمادها و نموده‌ها را از حج پس می‌زنند و مجدداً از کنار خانه‌ی کعبه، همگان را به خودشان «دَعَوْتُهُ إِلَى نَفْسِهِ». که حقیقت حج هستند - و به پس زدن و نابودی ظلم و جور دعوت می‌کند. امام حسین علیه السلام قبل از ظهور امام زمان علیه السلام نمونه‌ای از حج اکبر را برپا کردند و حج نمودی و تمثیلی را به واقعیت کشاندند.

فرمانده جبهه‌ی حق یعنی امام زمان علیه السلام را تمرین می‌کنند؛ احادیث ذیل، به خوبی این موضوع را ترسیم می‌کند.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «مَعْنَى الرَّجِيمِ أَنَّهُ مَرْجُومٌ بِاللَّعْنِ مَطْرُودٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْخَيْرِ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا لَعَنَهُ وَإِنَّ فِي عِلْمِ اللَّهِ السَّابِقِ أَنَّهُ إِذَا حَرَجَ الْقَائِمَ علیه السلام لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي زَمَانِهِ إِلَّا رَجَمَهُ بِالْحِجَارَةِ كَمَا كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مَرْجُوماً بِاللَّعْنِ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۰). یعنی: معنای رجیم [در آیات قرآن] آن است که شیطان با لعن از درگاه خدا رانده شد و از هر جای خیر و نیکی دور شده، مؤمنی او را یاد نکند مگر بر او لعن و نفرین فرستد، به راستی در علم خدا گذشته است؛ هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند، مؤمنی نماند مگر اینکه شیطان را رجم کند و با سنگ، او را از خود دور کند چنان چه پیش از آن نیز مورد لعن و نفرین آنان می‌بوده است.

هم‌چنین: و هب از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه «فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» که بیان می‌دارد: این روزی که خدا به شیطان می‌فرماید: «تو تا روز وقت معلوم مهلت داده شده‌ای»، سؤال می‌کند که چه روزی است؟ حضرت فرمود: «يَا وَهْبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ، فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَّتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۴؛ عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۵۵۱). یعنی: ای وهب، گمان می‌کنی این روز، روز قیامت است؟ (نه چنین نیست) خدا او را تا روز مبعوث شدن قائم ما مهلت داده، وقتی خداوند آن جناب را در مسجد کوفه مبعوث کند، شیطان

بباید در مقابل او زانو بزند و گوید: ای وای از این روز، آن‌گاه حضرت موی پیشانی شیطان را می‌گیرد و گردنش را می‌زند، این روز، روز وقت معلوم است.

### ۱۳. نتیجه‌گیری

با نگاهی صرفاً فقهی نمی‌توان حرکت امام حسین علیه السلام از مکه و از کنار خانه‌ی کعبه و در موسم حج را تحلیل و توجیه کرد. لذا در نگاه معرفتی با کمک از روایات متأثر علاوه بر اینکه امام علیه السلام ولی دین و حتی ولی فقه است، وجود و حرکت امام حسین علیه السلام ارتباط دقیق و وثیقی با مناسک حج دارد به گونه‌ای که حداقل پاره‌ای از این مناسک از ابتدای تاریخ با وجود ایشان گره خورده و حرکت‌شان در موسم حج تا شهادت نیز با رفتارهای آن امام کاملاً مرتبط است. از منظر حج، این حرکت عظیم و عجیب، چگونگی عبور از حج ظاهری و رسیدن به باطن حج را که همان حج اکبر است، به ترسیم و تصویر کشاند. حج اکبری که با ظهور و قیام امام زمان علیه السلام تحقق خواهد یافت و ایشان نیز بسان جدش حسین علیه السلام از کنار خانه کعبه همگان را به حرکت و قیامی حسینی دعوت خواهد کرد و این بار نه تنها جمرات و شیاطین انسی، بلکه وجود و شرّ تمامی اشرار و شیاطین جنی و انسی از روی زمین محو خواهد شد.

### ۱۴. پیشنهاد

در ادامه پیشنهاد می‌شود جهت کسب معرفت نسبت به چگونگی و مراحل ظهور امام زمان علیه السلام بین نمودهای رفتاری مناسک حج و ترتیب آن از ابتدا تا انتها با آنچه در آیات و روایات از ظهور امام زمان علیه السلام ترسیم شده نیز مقایسه‌ای صورت گیرد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، **الأمالی**، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۴۳۰ ق.
۳. همو، **عیون الاخبار الرضا**، مترجم: علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۴. همو، **معانی الاخبار**، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۵. همو، **من لا یحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، تهران: علمی، ۱۳۹۲ ش.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، **اللہوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه: فہری زنجانی، تهران: ناشر جہان، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.
۸. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، **مثیر الأحزان و منیر سبل الأشجان**، قم: مدرسه امام مهدی علیہ السلام، ۱۴۰۶ ق.
۹. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمۃ فی معرفۃ الأئمة**، تبریز: بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق.
۱۰. بحرانی، سید هاشم بن سلمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، بیروت: بی نا، ۱۳۹۸ ق.
۱۲. حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، **تسلية المجالس و زينة المجالس**، قم: مؤسسه معارف اسلامیہ، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. حکیم، سید محسن، **مستمک العروة الوثقی**، بی جا، نشر محمد کاظم حکیم، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ق.

۱۴. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الأمم و الملوک**، تهران: اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، **تہذیب الأحکام**، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. عاملی، محمد بن الحسن، **إثبات الهداة**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۸. همو، **وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیہم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چہارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، **کتاب التفسیر**، تهران: چاپ خانہ‌ی علمیہ، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الانوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محمدی ری شہری، محمد، **دانش نامہ‌ی امام حسین علیہ السلام بر پایہ‌ی قرآن**، حدیث و تاریخ، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. موسوی مقرر، عبد الرزاق، **مقتل الحسین علیہ السلام**، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن، **جواهر الکلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

